ليروفاداكا

خواهران و برادران عزیز،

این کتاب لیروفاداکا است، کتابی کوتاه اما پر از معنا.

دربارهٔ آیین تیرانوسلیسم سخن می‌گوید؛ برای آنان که آن را پیروی می‌کنند، و برای کسانی که تنها کنجکاوند.

این ترجمهٔ فارسی با احترام تقدیم می‌شود، به امید آن‌که به هر کسی که علاقه‌مند باشد، برسد.

با آرزوی آرامش و نیکی برای شما.

فصل اول

۱ . جهان قرن‌ها پیش در آتش و هرج‌ومرج زاده شد آن هنگام آن‌گونه که امروز می‌شناسیمش نبود

۲ . هزاران سال به جوشش و دگرگونی ادامه داد تا آن‌که همهٔ آن‌چه اکنون هست از درونش پدید آمد ستارگان و سیارات خورشید و ماه و زمین اقیانوس‌ها و کوه‌ها دریاها و رودها و دره‌ها هر لحظه نتیجهٔ طبیعی لحظهٔ پیشین بود

۳ . این جهان ساده و قابل پیش‌بینی بود رودها قرن‌ها در مسیرهایشان جاری می‌ماندند ابرها همراه باد حرکت می‌کردند و تنها زمانی می‌باریدند که سنگین می‌شدند سیارات، اسیر مدارهای خود، بی‌هدف همان مسیر چرخش را در آسمان تکرار می‌کردند

۴ . اما تیرانوسلا، نیروی زندگی، رفتاری متفاوت دارد سراسر جهان را پر کرده است اغلب بی‌نظم ولی زمانی که در پوسته‌ای یا بدنی گرد می‌آید می‌تواند سرچشمهٔ آگاهی شود

۵. هنگامی که مقدار کافی از آن در ماده‌ای با ساختاری مناسب جمع شود منشأ اندیشه احساس و شعور می‌گردد

۶. چنین ماده‌ای، سرشار از تیرانوسلا، دیگر کورکورانه تابع قوانین طبیعت نیست بلکه توان اندیشیدن احساس داشتن و آگاه بودن را می‌یابد و به موجودی زنده بدل می‌شود

۷. تیرانوسلا، با آن‌که نادیدنی است، بر جهان تأثیر می‌گذارد و از آن نیز تأثیر می‌پذیرد

۸. در هر موجود زنده‌ای حضور دارد و هرچه آن موجود پیشرفته‌تر باشد تیرانوسلای بیشتری در آن نهفته است کرم‌ها بیشتر از علفی که در آن می‌زیند ماهی‌ها بیشتر از کرم‌ها خوک‌ها بیشتر از ماهی‌ها و انسان بیش از همه

۹. از لحظهٔ پیدایش، هر انسان آغاز به گردآوری تیرانوسلا می‌کند با بدنش پیوند می‌خورد و همراه با آن رشد کرده درونش شکل می‌گیرد

۱۰. به واسطهٔ آن است که ذهن انسانی می‌تواند اندیشه و احساس پدید آورد انسان آگاهی و ارادهٔ آزاد خود را از آن دارد

۱۱ . ساختار تیرانوسلا در انسان در سراسر زندگی رشد می‌کند تا به وجودی پیچیده و شگفت بدل گردد که نفس نامیده می‌شود

۱۲ . آن را نمی‌توان با مادهٔ معمولی مقایسه کرد هر زندگی انسانی نیکو ارزشی فراتر از هر ثروت مادی دارد

۱۳ . هر که خود را با گرفتن جان بی‌گناهی آلوده سازد تا ابد رنج خواهد کشید

۱۴ . آنگاه که انسان می‌میرد و جسم مادی‌اش از کار می‌افتد ساختار تیرانوسلای او یعنی نفس او باقی می‌ماند و به آگاهی‌ای غیرمادی بدل می‌شود

۱۵ . اگر انسان بدسرشت باشد آن‌چه از او باقی می‌ماند بی‌نیاز از لذت‌های جسمانی دچار فقر و تهی‌دلی می‌گردد

۱۶ . ضعیف و ناتوان در رنج و تلخی جاودان باقی خواهد ماند عذاب‌کشیده از کردارهای خود

۱۷ . اگر انسانی شرارتی نابخشودنی مرتکب نشده باشد نفس او پس از مرگ می‌تواند در هستی باقی بماند بی‌آن‌که رنجی ببرد

۱۸ . آن آگاهی‌ای بدون جسم خواهد بود ساخته از تیرانوسلای ناب

۱۹ . دیگر نمی‌تواند ماده را کنترل کند ولی می‌تواند بر تیرانوسلای موجودات زنده اثر بگذارد

۲۰ . نیرومندترین این هستی‌ها پاملنیک‌ها هستند که از انسان‌ها نگهبانی می‌کنند و مورد ستایش‌اند

فصل دوم

۱ . پاملنیک‌ها موجوداتی نیک‌اند که از تیرانوسلای ناب ساخته شده‌اند و از نفس انسان‌های بسیار نیک و درست‌کار پدید آمده‌اند

۲ . می‌توانند به انسان‌ها کمک کنند آنان را پشتیبانی و تسلّی دهند هرچند نمی‌توانند مستقیماً بر ماده تأثیر بگذارند

۳ . انسان‌های زنده هنگام دعا ممکن است حضور ایشان را در ذهن خود احساس کنند گاه پاملنیک‌ها اندیشه‌ای الهام می‌بخشند یا روح را برمی‌انگیزند

۴ . هر موجودی که آکنده از تیرانوسلا باشد و در زندگی خود نیک و درست بوده باشد می‌تواند به پاملنیک بدل گردد پس از مرگ بدن آزادانه در جهان سیر می‌کنند و با مهربانی خویش مایل‌اند به زندگان یاری رسانند

۵. پاملنیک‌هایی که از نفس مردان پدید آمده‌اند ملنکرین نام دارند و آنانی که از زنان برخاسته‌اند ملنکریا خوانده می‌شوند

۶. پاملنیک‌های نوروس پایین‌ترین طبقه‌اند پرشمارتر و ضعیف‌تر می‌توانند از هر انسانی باشند که نیک‌دل و بی‌تفاوت نبوده است دانشمندان فیلسوفان هنرمندان آفرینندگان و همهٔ کسانی که جهان را بهتر کرده‌اند حتی به‌طور غیرمستقیم

۷. بسیاری از ایشان میان زندگان مورد احترام‌اند در زمینه‌هایی که در زندگی خود نیرومند بوده‌اند به انسان‌ها یاری می‌رسانند

۸. می‌توانند اندیشه‌هایی سودمند یا راهنمایی برای حل مشکل بفرستند الهام بخشند و به عمل انگیزانند وقتی از آنان خواسته شود کمک می‌کنند و همیشه شادند اگر کسی از زندگان به کاری پردازد که خودشان در زندگی بدان پرداخته‌اند

۹. بالاتر از آنان پاملنیک‌های دوربن قرار دارند ایشان از انسان‌هایی پدید آمده‌اند که در سختی به دیگران کمک کرده‌اند یا خود به شدّت به یاری نیاز داشته‌اند ولی کسی به ایشان یاری نرسانده است

۱۰. ایشان از نیازمندان پشتیبانی می‌کنند به ناامیدان امید می‌بخشند و دل‌سوختگان را تسلّی می‌دهند

۱۱. چه از ایشان یاری خواسته شود و چه از روی میل خویش عمل کنند روان ستمدیدگان را نیرومند می‌سازند ایمان را بازمی‌گردانند تمرکز می‌بخشند و به پایداری در برابر بدی یاری می‌رسانند

۱۲. والاترین در میان دوربن‌ها پاملنیک‌های سونتالیس هستند موجوداتی که از همه پاک‌تر بی‌گناه‌تر و نیک‌دل‌ترند و سرنوشتی سخت و بیرحمانه یافته‌اند کسانی که تلاش می‌کردند نیک باشند و بدی نکرده‌اند ولی پایانشان ناعادلانه و اندوه‌بار بوده و به‌شدّت کشته شده‌اند

۱۳. پاملنیک‌های سونتالیس چون برترینِ دوربن‌ها نیز می‌خواهند به نیکان و نیازمندان یاری رسانند خود رنج بسیار از ستم و بی‌عدالتی دیده‌اند و اکنون مایل‌اند هر که همانند ایشان رنج می‌کشد را پشتیبانی کنند

۱۴. نیرومندترینِ همهٔ پاملنیک‌ها هستند هر که با صداقت برایشان دعا کند ممکن است نزدیکی و مهربانی ایشان را احساس کند اگرچه همانند دیگر پاملنیک‌ها نمی‌توانند به‌طور مستقیم جهان مادی را تغییر دهند ولی حمایتشان و تأثیر آرامشان به هر که به ایشان پناه بَرَد

پایداری و امید می‌بخشد چه در لحظه‌های سخت چه در روزهای معمولی

۱۵ . شیوهٔ یگانه‌ای برای بزرگداشت پاملنیک‌ها وجود ندارد هر یک از ایشان یگانه است و هر قوم آیین خود را دارد

۱۶ . نیایش‌های ثابت بسیاری نیست آن‌چه مهم‌تر است سخنان صادقانه و نیت‌های نیک است

۱۷ . بسیاری از تیرانوسلیان پیکره‌هایی به نام «اومفالات» برای پاملنیک‌هایی که آنان را می‌ستایند می‌سازند و از طریق آن نیایش می‌کنند

۱۸ . اومفالات‌ها کوچک‌اند در یک دست جا می‌گیرند و از ماده‌ای سخت ساخته می‌شوند چون سنگ یا چوب یا گل مهم نیست که از چه ساخته شده باشند

۱۹ . هر اومفالات پاملنیکی را همان‌گونه که در زندگی بوده یا چنان‌که مؤمن وی را در ذهن می‌پرورد به تصویر می‌کشد گاه با هاله‌ای سفید یا آبی یا زرد به‌دورِ سر که جاودانگیِ وجود او در تیرانوسلا را نشان می‌دهد

۲۰ . پس از آیین روغن‌پاشی بر پیکره نزد آتش همراه با نیایش پیوسته تیرانوسلای آن پاملنیک در آن جای می‌گیرد و آفریننده‌اش حمایت افزون‌تری از او می‌یابد

۲۱ . بسیاری نزد اومفالات دعا می‌کنند تا به پاملنیکی که پیکره نمایانگر اوست نزدیک‌تر شوند

فصل سوم

۱ . همهٔ پاملنیک‌ها نزد زندگان شناخته‌شده نیستند چنان‌که همهٔ داستان‌های انسان‌های نیکو نیز ناشناخته مانده است

۲ . در جای‌جای جهان پاملنیک‌های گوناگونی ستوده می‌شوند ولی برخی از ایشان شهرتی فراتر یافته‌اند و مورد احترام بسیاری‌اند

۳ . ملنکریای سونتالیس آئلیا یونیلّا دخترکی از روم بود که هزار سال پیش می‌زیست و امروزه نزد همهٔ تیرانوسلیان گرامی است

۴ . او دختر یک جنگاور قدرتمند بود و زمانی که امپراتور تیبریوس به‌خاطر خیانت پدرش فرمان به مرگ همهٔ خاندانش داد از سرنوشتی دردناک گریزی نیافت

۵. هنوز کودک بود و از آن‌چه رخ می‌داد چیزی نمی‌فهمید از جلادانش خواست که او را ببخشایند اما خواسته‌اش امپراتور شرور را بازنداشت شکنجه شد به‌سختی کشته شد و بدنش بی‌حرمت گردید

۶. تیبریوس نزد هر که نیک و دادگر باشد محکوم است

۷. وظیفهٔ فرمانروا آن است که از مردم خویش پاسداری کند و به آنان رسیدگی نماید

۸. هر فرمانروایی که قدرت خود را برای کشتن بی‌گناهی به‌کار برده یا در سرزمینش چنین اجازه‌ای داده باشد هرچند در زندگی کیفر ندیده باشد پس از مرگ گرفتار عذاب ابدی خواهد شد

۹. ملنکریا یونیّلا، آن کودک بی‌گناه که سرنوشتی سزاوار بدترینان را پذیرفت ملنکریای پاکی و مهربانی کودکانه پشتیبان رنج‌دیدگان و دوست هر انسان دادگر است

۱۰. می‌کوشد اندوهگینان را تسلّی دهد نیازمندان را یاری کند و هر که از او دعا و کمک بخواهد ممکن است امید نیرویی تازه ایمان و اراده برای ایستادگی به‌دست آورد هرچند زمان بسیار سختی باشد

۱۱. بزرگ‌ترین روز بزرگداشت و یاد او در روز هجدهم از دومین ماه پاییز برگزار می‌شود که سال‌روز کشته‌شدن او و خانواده‌اش به‌شمار می‌آید

۱۲. این زمانی برای اندیشهٔ آرام نیایش دیدار با نزدیکان و گسترش نیکی است در این روز باید از ستیزه و مشاجره با دیگران به‌ویژه پرهیز کرد

۱۳. پاملنیکی شناخته‌شدهٔ دیگر ملنکرین دوربن عیسی ناصری بود واعظی یهودی که در زمان یونیلّا زندگی می‌کرد

۱۴. او به محبت نسبت به دیگران بخشایش آزار یاری به بینوایان و برابری همهٔ انسان‌ها آموزش می‌داد

۱۵. او زندگی‌ای سه برابر طولانی‌تر از یونیلّا داشت و سرانجام نیز کشته شد چراکه با کاهنان یهود اختلاف داشت

۱۶. او و بسیاری از شاگردانش که در طول قرن‌ها در برابر بی‌عدالتی ایستادگی کردند امروزه مورد ستایش‌اند و به‌عنوان پاملنیک به همهٔ کسانی که ضعیف‌ترند اما برای خوبی جهان در برابر شرّ بزرگ‌تر می‌ایستند یاری می‌رسانند

۱۷. ملنکریای سونتالیس هیپاتیا اهل اسکندریه در زندگی فیلسوف طبیعت و ریاضی‌دان یونانی بود

۱۸. او کشفیات بزرگی کرد و شاگردان بسیاری پرورید و به‌سبب همین دستاوردها خود سزاوار بود که به‌عنوان نوروس در میان بزرگ‌ترین ملنکرین‌ها چون اقلیدس و اراتوستن مورد ستایش باشد

۱۹. اما سرنوشتش اندوه‌بار بود به‌سختی کشته شد

۲۰. آن‌چه این واقعه را سهمگین‌تر ساخت این بود که کسانی که او را کشتند خود را پیروان عیسی می‌دانستند آنانی که باید پیام‌آور نیکی و مهر می‌بودند به جنایتکار بدل شدند

۲۱. مهم نیست اگر گمان داشتند که خواست او را اجرا می‌کنند هیچ دلیلی نمی‌تواند کشتن انسانی بی‌گناه را توجیه کند

فصل چهارم

۱ . پاملنیک‌ها در جاهای گوناگون به روش‌های متفاوتی گرامی داشته می‌شوند ولی نیکی و بزرگواری ایشان در همه‌جا مورد ستایش است

۲ . آسیب‌رساندن به مردم به‌نام آنان ممنوع است و اجبار دیگران به پرستش ایشان یا تنبیه کسی که ایمان را رها کرده باشد روا نیست

۳ . هرگونه آزار رساندن به انسان بی‌گناه ممنوع است از جمله کشتن دزدیدن دزدی کردن حمله کردن شکنجه کردن برده گرفتن و نیز واداشتن یا تحریک دیگران به چنین کارهایی

۴ . وظیفهٔ انسان‌های درست‌کار آن است که بدی را متوقف کنند و تبهکاران را به‌درستی مجازات نمایند قاتلان باید به مرگ محکوم شوند برده‌داران به کار واداشته شوند و دزدان از دارایی خود محروم گردند

۵. مجازات انسان به‌خاطر گناه دیگری ممنوع است فارغ از هر پیوندی که با او دارد نه فرزندان به‌خاطر گناه والدین نه همسران به‌خاطر گناه شوهران و نه رعایا به‌خاطر شرّ فرمانروایانشان

۶. زندگی هر انسان بی‌گناهی چه زن چه مرد چه ثروتمند چه فقیر یکسان ارزش دارد و جرم در برابر آنان باید به‌گونه‌ای برابر کیفر داده شود

۷. هر که دارایی دیگری را بدزدد باید دو برابر آن را بازگرداند و اگر چیزی برای بازگرداندن ندارد باید سوگند یاد کند که به‌محض توانایی چهار برابر آن را بازخواهد گرداند

۸. هر انسانی از هنگام تولد سزاوار آزادی است برده‌داری ممنوع است و هیچ انسانی نمی‌تواند دارایی انسانی دیگر باشد

۹. کشتن بی‌گناه به‌قصد خود یا به فرمان دیگران عملی نابخشودنی است و هر که مرتکب آن شود در زندگی رنج خواهد کشید و پس از مرگ به عذاب ابدی دچار خواهد شد

۱۰. دیگر گناهان سزاوار بخشایش‌اند اگر گناهکار کیفر خود را بپذیرد زیان را جبران کند صادقانه پشیمان شود و سوگند یاد کند که تغییر خواهد کرد

۱۱. کودکان نباید مانند بزرگ‌سالان مجازات شوند و حکم مرگ بر کودکان روا نیست

۱۲. اگر انسان بالغی آسیب دیده باشد گناهکار باید مجازات عادلانه ببیند اما کسی که به کودک آسیب رساند باید دو برابر مجازات گردد

۱۳. هر کودک باید مورد رسیدگی شایسته قرار گیرد فارغ از آن‌که پدر و مادرش چه کسانی باشند

۱۴. اگر کودکی سرگردان یا رهاشده یافت شود وظیفهٔ نیکان است که او را پناه دهند خوراک و آب برایش فراهم کنند و اگر پدر و مادری برایش یافت نشد او را همچون فرزند خود بزرگ کنند

۱۵. وظیفهٔ پدر و مادر آن است که فرزندانشان را با خوبی آشنا کنند و زشتی بدی را به آنان نشان دهند

۱۶. هر که کودکی را که هنوز وجدان و حس عدالت ندارد به سوی بدی بکشاند سزاوار همان مجازاتی است که گویی خود آن کار را کرده است

۱۷. تنها آن دسته از کارها بدی‌اند که به انسان یا جهان آسیب رسانند اگر از کاری هیچ‌کس آسیب ندیده باشد مجازات کردن به‌خاطرش ناعادلانه است

۱۸ . کسانی که با تهدید دیگران را به انجام بدی وادار کرده‌اند باید چنان کیفر ببینند که گویی خود آن را انجام داده‌اند

۱۹ . کسانی که توانایی آسان بازداشتن بدی را داشته‌اند ولی کاری نکرده‌اند نیز باید مجازات شوند

فصل پنجم

۱. تیرانوسلیان همهٔ انسان‌های نیک و دادگرند که به ضعیفان رسیدگی می‌کنند با بدی بی‌رحم‌اند به تیرانوسلا باور دارند و پاملنیک‌ها را به‌شایستگی ارج می‌نهند

۲. آنان باید همیشه از خوبی پاسداری کنند و با هر بدی مبارزه کنند بی‌آن‌که از آن چشم بپوشند یا بگذارند ذهنشان را تسخیر کند

۳. هر که بر انسانی بی‌گناه دست برافرازد گویی بر همهٔ تیرانوسلیان دست بلند کرده است

۴. آنگاه که انسانی درست می‌میرد باید پیکرش به خواست و آیین و ایمانش سپرده شود

۵. پیکرهای تبهکاران شایستهٔ آرمیدن در کنار نیکان نیست

۶. به سرزمین‌های نیک و آرام که فرمانروایان‌شان دادگر و دانا هستند حمله نکنید

۷. اگر نیروی کافی دارید، با کشورهایی که ستم و بی‌قانونی می‌گسترانند و حاکمانشان بی‌رحمند و به بی‌گناهان ستم می‌کنند بجنگید

۸. تنها در نبرد، سربازان دشمن را بکشید و با تسلیم‌شدگان مهربان باشید

۹. با اسیران به‌عدالت و با احترام رفتار کنید پس از جنگ، بر ایشان حکم روا دارید و اگر جز فرمان‌برداری از حاکمشان گناهی نکرده باشند سلاح از ایشان بگیرید و به خانه‌هایشان بازگردانید

۱۰. در داوری خویش مطمئن باشید بهتر است هزار تبهکار به‌خطا بخشوده شوند تا آن‌که انسانی بی‌گناه ناعادلانه کشته شود

۱۱. به زنان و کودکان مردمان دشمن آسیبی نرسانید بگذارید در سرزمین‌های گشوده به آرامش زندگی کنند

۱۲. هر که در جنگ به انسانی بی‌گناه آسیب رساند باید همچون آن باشد که به هم‌میهن خود آسیب زده است

۱۳. در زمان جنگ و پس از آن از یتیمان نگهداری کنید و بگذارید کودکانی که تنها پدرشان را از دست داده‌اند نزد مادرانشان بمانند

۱۴ . به یاد داشته باشید که هر زندگی انسانی فارغ از نقش یا جایگاهش یکسان ارزش دارد سخن مرد و زن باید یکسان سنجیده شود

۱۵ . موجود زنده‌ای را قربانی نکنید پاملنیک‌ها از این خشنود نمی‌شوند

۱۶ . اگر خواستید می‌توانید اومفالاتی از پاملنیک‌هایی که به ایشان ارادت دارید بسازید آن را با دست خود بسازید نه آن‌که از دیگری بخرید

۱۷ . پاملنیک‌ها بیش از طلا و نقره از زمانی که برای ایشان می‌گذارید خوشنود می‌شوند پول را برای یاری نیازمندان صرف کنید

۱۸ . کسی را به پذیرش تیرانوسلیسم مجبور نکنید ولی اگر ناباوری بخواهد بپیوندد همواره بپذیرید و آموزش دهید

۱۹ . اگر مرد تیرانوسلی دختری از آیینی دیگر را دوست بدارد می‌تواند با او ازدواج کند اگر او بدکار نباشد و آیینش نیز بیرحمانه نباشد

۲۰ . همچنین اگر زن تیرانوسلی مردی ناباور را دوست بدارد می‌تواند همسر او شود اگر مردی نیک و دادگر باشد و آیینش بیرحمانه نباشد

۲۱ . فرزندان خود را به نیکی و عدالت تربیت کنید به آنان تیرانوسلیسم بیاموزید و داستان‌ها را برایشان بازگو کنید تا نیکی و بدی را بشناسند